

تراژدی جهان اسلام

عزاداری شیعیان ایران به روایت سفرنامه نویسان،

مستشرقان و ایران شناسان

(از صفویه تا جمهوری اسلامی)

جلد اول

محسن حسام مظاهری



شیراز

۱۳۹۷

سرشناسه	مظاهری، محسن حسام، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	تراژدی جهان اسلام: عزاداری شیعیان ایران به روایت سفرنامه نویسان، مستشرقان و ایران شناسان (از صفویه تا جمهوری اسلامی) / محسن حسام مظاهری.
مشخصات نشر	اصفهان: آرما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	ج ۳؛ ۱۴/۵/۲۱۰۵ س.م.
شابک	دوره ۴-۳۹-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۱؛ ۳۷-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۳؛ ۱-۳۶-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۷؛ ۲-۷-۳۸-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۳.ج
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	ج ۲-۳ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).
موضوع	سوگواری های اسلامی -- ایران -- تاریخ
موضوع	Islamic mourning customs -- Iran -- History
موضوع	سوگواری ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	Mourning customs -- Iran -- History
موضوع	شیعیان -- ایران -- شعایر و مراسم مذهبی
موضوع	Shiites -- Iran -- Rites and ceremonies
رده بندی کنگره	BP۲۶۰/م۶۲۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۷۴
شماره کناشناسی ملی	۵۱۴۱۵۳۴



تراژدی جهان اسلام

عزاداری شیعیان ایران به روایت سفرنامه نویسان، مستشرقان و ایران شناسان
(از صفویه تا جمهوری اسلامی)
جلد اول

محسن حسام مظاهری

صفحه آرایی و طراحی جلد: گروه فرهنگی هنری مسک / مجتبی مجلسی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۳۶-۳

شابک دوره ی سه جلدی: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۳۹-۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان / قیمت دوره ی سه جلدی: ۱۵۰۰۰۰ تومان

چاپ جلد: ملت / چاپ متن: رنگین چاپ / صحافی: امین

کلیه ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن (به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی)

بدون اجازه ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.



۹۱-

کتاب‌های سرو

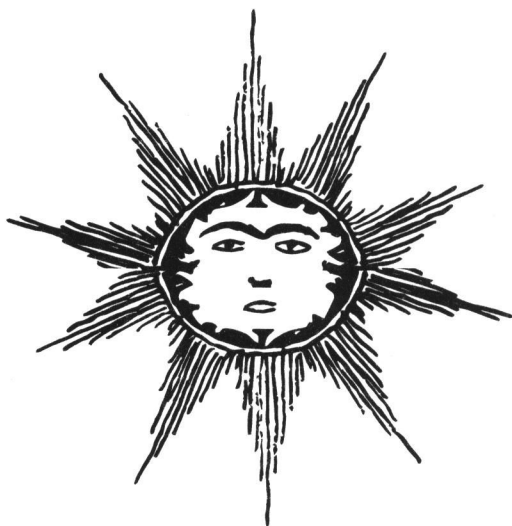
مطالعات فرهنگ شیعی

دبیر مجموعه: محسن حسام مظاهری

۲

«کتاب‌های سرو» مجموعه‌ای از پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی در موضوع تشیع و شیعیان است. در این مجموعه، به تشیع به مثابه‌ی «دین زیسته» و از منظر دانش‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات و رسانه و مطالعات فرهنگی) پرداخته شده و مقولات و مسایل انضمامی مرتبط با این مذهب و وضعیت پیروانش در دنیای امروز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. به تبع تنوع این مقولات و مسایل، گستره‌ی موضوعی کتاب‌ها نیز وسیع است و مواردی چون مناسک و آیین‌های شیعی (عزاداری، زیارت، نذر، اعتکاف و غیره)، سازمان رسمی شیعه (حوزه و روحانیت)، گفت‌وگوهای شیعی، زیست روزمره، فرهنگ مادی و معنوی شیعیان و موارد مشابه دیگر را شامل می‌شود.





If the success of a drama is to be measured by the effects which it produces upon the people for whom it is composed, or upon the audiences before whom it is represented, no play – has ever surpassed the tragedy known in the Mussulman world as that of Hasan and Husain.

Sir Lewis Pelly¹

اگر موفقیت یک نمایش به میزان تأثیراتی باشد که بر خوانندگان یا تماشاگران خود می‌گذارد، هیچ نمایشی تا کنون موفق‌تر از تراژدی جهان اسلام یعنی تراژدی حسن و حسین نبوده است.

سرلوییس پلی



فهرست

جلد اول

۱۹.....	مقدمه
۲۱.....	درآمد
۲۲.....	هدف پژوهش
۲۶.....	پیشینه‌ی پژوهش
۳۰.....	منابع پژوهش
۳۵.....	معرفی بخش‌های کتاب
۴۲.....	تشکر و سپاسگزاری
۴۵.....	بخش اول: گزارش‌ها و توصیفات
۴۷.....	درآمد
۴۹.....	موضوع
۵۰.....	پراکندگی جغرافیایی
۵۲.....	جنسیت نویسندگان
۵۳.....	ملیت نویسندگان
۵۴.....	شغل نویسندگان

۵۶.....	هدف نویسندگان از سفر به ایران
۵۹.....	فصل ۱: دوره‌ی صفویه: پیدایش و تکوین (۱۵۰۲-۱۷۲۲م)
۶۱.....	درآمد
۶۳.....	گزارش آماری
۶۵.....	ویژگی‌های مهم عزاداری در این مقطع
۷۷.....	میکله ممبره
۸۳.....	لیونل پلامتری
۸۷.....	آنتونی و رابرت شرلی
۹۱.....	آنتونی دو گوه‌آ
۹۵.....	گشورگ تکتاندر فون دریابل
۹۹.....	گارسپا د سیلوا فیگوئروا
۱۰۹.....	پیترو دلاواله
۱۲۳.....	فدت آفاناس یویچ کاتوف
۱۲۷.....	آدام اولتاریوس
۱۴۱.....	دموترون
۱۴۹.....	رافائل دومان
۱۵۳.....	ژان ته‌ونو
۱۵۷.....	ژان باتیست تاورنیه
۱۶۵.....	ژان شاردن
۱۷۹.....	یوهان اشترویس
۱۸۹.....	انگلبرت کمپفر
۱۹۹.....	یک کشیش
۲۰۳.....	جووانی فرانچسکو جملی کاری
۲۰۷.....	کورنلیس دو بروین
۲۱۱.....	یوداش تادیوش کروسینسکی
۲۱۵.....	فصل ۲: از زوال صفویه تا برآمدن قاجار: حیات منقطع (۱۷۲۳-۱۷۸۸م)
۲۱۷.....	درآمد
۲۱۸.....	گزارش آماری

۲۲۰.....	ویژگی های مهم عزاداری در این مقطع
۲۲۵.....	توماس سالمون
۲۲۹.....	گروهی از کشیشان
۲۳۷.....	کارستن نیبور
۲۴۷.....	ساموئل گوتلیب گملین
۲۵۷.....	ویلیام فرانکلین
۲۶۷.....	فصل ۳: از آغاز قاجار تا میانه‌ی مشروطه: توسعه و تراکم (۱۷۸۹-۱۹۰۷م)
۲۶۹.....	درآمد
۲۷۰.....	گزارش آماری
۲۷۳.....	ویژگی های مهم عزاداری در این مقطع
۲۹۳.....	ژی.ام. تانکوانی
۳۰۱.....	هارفورد جونز بریجز
۳۰۳.....	جیمز جاستینین موریه
۳۲۷.....	هنری پاتینجر
۳۳۱.....	گاسپار دروویل
۳۳۵.....	جان ملکم
۳۳۹.....	فدور بارتولومی
۳۴۳.....	جیمز بیلی فریزر
۳۴۷.....	جان کمبل
۳۴۹.....	فیودور فنودوروویچ کورف
۳۵۵.....	فلین ادوارد دوسرسی
۳۵۹.....	ژان باتیست اوژن ناپلئون فلاندن
۳۶۷.....	کلمنت اوگاستس دوبد
۳۶۹.....	ایلیا نیکلایوچ برزین
۳۷۵.....	مری لئونورا وولف شیل
۳۸۳.....	یاکوب ادوارد پولاک
۳۹۱.....	وایسلی ایوانوویچ چریکوف
۳۹۵.....	چارلز فرانسیس مکنزی
۳۹۹.....	ژوزف آرتور دوگوبینو

- ۴۵۱..... گریگوری والریانویچ ملگونف
- ۴۵۵..... لویی امیل دوهوسه
- ۴۶۱..... هینریش کارل بروگش (۱)
- ۴۸۳..... آرمینیوس وامبری
- ۴۹۵..... رابرت گرانت واتسون
- ۵۰۱..... ژولین دوروش شوار
- ۵۰۳..... ارنست هولستر
- ۵۱۵..... الکساندر بورچکو خودزکو
- ۵۳۳..... کارلا سرنا
- ۵۵۵..... نوبیوشی فوروکاوا
- ۵۵۹..... یوشیدا ماساهارو
- ۵۶۳..... آنتوان سوروگین
- ۵۸۳..... ژان دیولافوا
- ۵۹۱..... ارنست اورسل
- ۶۰۱..... هنری موزر
- ۶۰۳..... چارلز جیمز ویلز
- ۶۲۳..... ساموئل گرین ویلر بنجامین
- ۶۶۳..... هنری بایندر
- ۶۷۳..... هینریش کارل بروگش (۲)
- ۶۷۹..... ادوارد گرانویل براون
- ۷۰۱..... جورج ناتانیل کرزن
- ۷۰۵..... آ. رزوسکی
- ۷۰۷..... الکساندر واسیلیویچ الیسیف
- ۷۱۱..... ژان ژاک ماری دمورگان
- ۷۱۹..... ژوانس فووریه
- ۷۲۷..... گرتروڈ لاوتین بل
- ۷۳۹..... چارلز ادوارد ییت
- ۷۴۷..... پرسی مولزورث سایکس (۱)
- ۷۴۹..... ولادیمیر آندری یویچ کاساگوفسکی

۷۵۵	پی‌یر لوتی
۷۶۷	پیوتر آلکساندروویچ ریتیخ
۷۶۹	آبراهام والتاین ویلیامز جکسون
۷۷۱	ناپیر ملکم
۷۷۷	کلود انه
۷۸۳	سون آندرس فون هدین
۷۹۹	اوستایش دولوری
۸۱۵	اوزن اوین
۸۴۱	هانری رنه دالمانی
۸۶۳	هوگو گروته
۸۶۵	جان گ. ویشارد

جلد دوم

فصل ۴: از میانه‌ی مشروطه تا نیمه‌ی اول سلطنت رضاشاه: افول تدریجی (۱۹۰۸-۱۹۲۹م)

۸۷۱	
۸۷۳	درآمد
۸۷۴	گزارش آماری
۸۷۵	ویژگی‌های مهم عزاداری در این مقطع
۸۸۱	ان. هارتویک
۸۸۵	آرنولد تالبوت ویلسون
۸۸۹	والتر الکساندر اسمارت
۸۹۱	ا. اس. وولفسن
۸۹۷	لئو آلکسیوویچ اوسینکو
۹۰۵	بازیل نیکیتین
۹۰۹	اف. هیل
۹۱۳	کلارا کالیور رایس (هوموند)
۹۲۵	یاسنت لویی رابینو
۹۲۹	پرسی مولزورث سایکس (۲)

۹۴۱..... کلارمونت پرسپوال اسکرین

۹۴۵..... امیل زاوی

۹۴۹..... اف. ال. برد

۹۵۵..... فرانسیس آرتور کورنلیوس فوربوز لیث

۹۵۹..... پاول پترویچ ایوانف

۹۶۵..... ژاک هردوان

۹۷۷..... موریس پرنو

۹۸۵..... هرمان نوردن

فصل ۵: سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه: تحدید و فترت (۱۹۳۰-۱۹۴۱م)

۹۹۱..... درآمد

۹۹۲..... گزارش آماری

۹۹۲..... ویژگی‌های مهم عزاداری در این مقطع

۹۹۷..... فردریک چارلز ریچاردز

۱۰۱۱..... آکی ئوکازاما

۱۰۲۱..... وپرت فون بلوشر

۱۰۲۳..... آلفونس گابریل

۱۰۲۷..... مود فون روزن

۱۰۳۹..... رابرت بایرون

۱۰۴۵..... اونرا آملیا مریت هاکس

۱۰۵۵..... هانری ماسه

فصل ۶: از آغاز سلطنت محمدرضا شاه تا آستانه‌ی انقلاب اسلامی: بازگشت تدریجی (۱۹۴۲-۱۹۷۷م)

۱۰۸۵..... درآمد

۱۰۸۷..... گزارش آماری

۱۰۸۸..... ویژگی‌های مهم عزاداری در این مقطع

۱۰۸۹..... آنتونی اسمیت

۱۰۹۵..... جوزف میسون آپتون

۱۰۹۷..... ترنس اودانل

۱۱۰۳.....

۱۱۲۱.....	پیتر ایوری
۱۱۲۵.....	هرمان شفر
۱۱۳۱.....	پیتر استفان پل بروک
۱۱۴۵.....	مارسل بازن و کریستیان برمبرژه
۱۱۵۵.....	پیتر رومن شولاتور
۱۱۵۹.....	سینتیا هلمز
۱۱۶۳.....	موریواونو (۱)
۱۱۷۵.....	وینسنت فرانسیس کاستللو
۱۱۷۷.....	فرد هالیدی
۱۱۸۱.....	فصل ۷: انقلاب اسلامی: خیزش و تحول (۱۹۷۸-۱۹۷۹ م)
۱۱۸۳.....	درآمد
۱۱۸۳.....	گزارش آماری
۱۱۸۴.....	ویژگی های مهم عزاداری در این مقطع
۱۱۸۹.....	پل هانت
۱۲۰۳.....	میشل فوکو
۱۲۰۷.....	آنتونی پارسونز
۱۲۱۱.....	ویلیام هیلی سولیوان
۱۲۱۵.....	دزموند هارنی
۱۲۱۹.....	کلربی یروپی یربلانشه
۱۲۴۱.....	جان دی. استمپل
۱۲۴۵.....	موریواونو (۲)
۱۲۵۵.....	فصل ۸: جمهوری اسلامی: توسعه و تثبیت (۱۹۸۰-۲۰۱۰ م)
۱۲۵۷.....	درآمد
۱۲۵۷.....	گزارش آماری
۱۲۵۸.....	ویژگی های مهم عزاداری در این مقطع
۱۲۶۱.....	ساندرا مک کی
۱۲۷۱.....	کاری وگت
۱۲۹۵.....	ترنس وارد

- ۱۳۰۳ توماس آندرسون و استفان فوکونی
 ۱۳۰۹ سرژ میشل
 ۱۳۲۳ پائولو وودز.

جلد سوم

بخش دوم: بررسی‌ها و تحلیل‌ها

- ۱۳۲۷ درآمد
 ۱۳۲۹ کارل هرمان اته
 ۱۳۴۳ رینولد نیکلسون
 ۱۳۴۷ ایگناس گلدزیهر
 ۱۳۴۹ ویکتور برار
 ۱۳۵۵ دوایت مارتین دونالدسون
 ۱۳۵۹ شارل ویرولو
 ۱۳۶۳ لایه روبو انری دوژنره
 ۱۳۶۹ آندره گدار
 ۱۳۸۵ یدارویی (گدار)
 ۱۳۹۳ جورج مایکل ویکنز
 ۱۴۰۳ یاکوب م. لاندو
 ۱۴۰۷ پیتر جی. چلکوفسکی
 ۱۴۱۳ ژان کالمار
 ۱۴۳۷ آندرز زیچ ویرث
 ۱۴۵۷ ویلیام ال. هنوی
 ۱۴۷۱ انریکو فولکین یونی
 ۱۴۷۹ ویلیام ا. بیمن
 ۱۴۸۹ نیکی آر. کدی
 ۱۵۰۷ جان لیمبرت
 ۱۵۱۳ آن کترین سوائنفورد لمبتون
 ۱۵۱۷ هاینتس هالم
 ۱۵۲۱

۱۵۳۵.....	دیوید مورگان
۱۵۳۷.....	گراهام ای. فولر
۱۵۴۵.....	آنه ماری شیمل
۱۵۵۱.....	تدا اسکاج پل
۱۵۵۷.....	فرانسوا توال
۱۵۶۱.....	برنارد لویی
۱۵۶۵.....	ژان پی بریگاز، برنارد هورکاد، یان ریشار
۱۵۷۳.....	راجر مروین سیوری
۱۵۷۷.....	مری پت فیشر
۱۵۷۹.....	سابرینا مروین
۱۵۸۷.....	کارن آرمسترانگ
۱۵۹۵.....	چارلز لیندهولم
۱۶۰۳.....	استفانی کرونین
۱۶۰۷.....	کارل ارنست
۱۶۱۱.....	ریچارد سی. فولتس
۱۶۱۵.....	پاتریشیا کرون
۱۶۱۹.....	ونسا مارتین
۱۶۲۹.....	ویلم فلور
۱۶۳۵.....	آندرو ج. نیومن
۱۶۳۹.....	یان ریشار

کتاب نامه

۱۶۴۳.....	الف - فارسی و عربی
۱۶۴۵.....	ب - زبان های دیگر

نمایه

۱۷۰۱.....





مقدمه



درآمد

جرقه‌ی تألیف کتابی که در دست دارید، بیش از ده سال پیش زده شد؛ در میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۸۰ ش وقتی مشغول نگارش کتاب *رسانه‌ی شیعه*^۱ بودم. به عبارت دیگر، کتاب حاضر از دل آن کتاب زاده شده است.

در *رسانه‌ی شیعه*، دغدغه‌ی من فهم منطقی پیدایش و تغییر در مناسک شیعی و مشخصاً مراسم و آیین‌های عزاداری بود. با این فرضیه که «عزاداری» - به عنوان مهم‌ترین و فراگیرترین نمود بُعد مناسکی شیعه - از بدو تأسیس تا امروز مدام در حال تغییر بوده و در هر عصر، صورت و فرمی داشته است (و خواهد داشت) متأثر از مجموعه شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام (به طور عام) و ویژگی‌ها، نیازها و مقتضیات تشیع و شیعیان آن عصر (به طور خاص). برای سنجش این فرضیه، نیاز به ترسیم خط سیر تاریخی واحدی از روند پیدایش، تکوین، تطور و توسعه‌ی عزاداری در طول زمان داشتم و برای این کار هم نیاز به انبوهی داده‌های تاریخی که نقطه نقطه آن خط را تشکیل دهند. از آن جاکه از دوره‌ی صفویه تا حداقل میانه‌ی قاجار، بخش عمده‌ی منابع اصلی و دست اول توصیفی از حیات اجتماعی جامعه‌ی ایران گزارش‌هایی است که غیرایرانیان (عمدتاً اروپاییان)

براساس مشاهدات و تجارب‌شان از سفر و اقامت در ایران نگاشته‌اند، به سراغ این منابع رفتیم و پس از آن‌ها هم سراغ منابع مکمل دیگر مانند نامه‌ها و گزارش‌های سیاسی. دامنه‌ی این جستجو روز به روز گسترده‌تر شد و مقالات، مصاحبه‌ها، پژوهش‌ها و منابع تحلیلی درباره‌ی اسلام، تشیع و ایران را هم دربرگرفت.

در این بیش از ده سال، به شیوه‌ی اکتشافی، کوشیدم حتی الامکان هر منبعی که از نویسندگان و محققان خارجی در موضوع تاریخ و فرهنگ اسلام، تشیع و ایران ترجمه شده را بیابم و حریصانه بکاوم تا مگر به داده‌ای ولو جزئی و گزارش و روایتی ولو گذرا و مختصر از عزاداری دست یابم^۱. در مجموع برای نگارش کتاب حاضر، ۴۵۵ منبع (اعم از کتاب و مقاله) به قلم بیش از ۳۴۰ سفرنامه‌نویس و محقق غیرایرانی و غیرمسلمان که احتمال می‌رفت حاوی مطلبی (اعم از گزارش توصیفی و تحلیل) درباره‌ی عزاداری باشند، را بررسی کرده‌ام. این بررسی، منجر به یافتن اشارات، گزارش‌ها و تحلیل‌هایی از ۱۸۲ نفر در ۲۱۲ منبع شد. در ۲۴۳ منبع نیز مطلب قابل اعتنایی درباره‌ی عزاداری نیافتم^۲. همچنین توانستم به نسخه‌ی دیجیتالی زبان اصلی بیش از ۱۰۰ عنوان از منابع دسته‌ی نخست (حاوی مطالب مرتبط با عزاداری) دست یابم و از آن‌ها در تکمیل اطلاعات کتاب‌شناختی و شناخت نامه‌های سفرنامه‌نویسان، سنجش اصالت اسناد تصویری که در ترجمه‌ها آمده، افزودن اسناد تصویری که گاه در ترجمه‌ی فارسی مغفول مانده‌اند و مواردی از این دست استفاده کنم.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، گردآوری، بررسی و تدوین داده‌های تاریخی و تحلیلی درباره‌ی آیین عزاداری شیعه در ایران (از صفویه تا امروز) از خلال آثار سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان و

-
۱. برای شناسایی منابع، علاوه بر جستجوهای نوبه‌ای و مکرر کتابخانه‌ای و اینترنتی و رصد مستمر تازه‌های نشر، از کتاب‌شناسی‌ها و مقالاتی که با موضوع سفرنامه‌ها نگاشته شده‌اند، بهره بردم؛ از جمله: (شیبانی ۱۳۸۱)، (کرزن ۱۳۶۷)، (گابریل ۱۳۴۸)، (بابازاده ۱۳۵۷)، (همایون فرد ۱۳۵۹)، (پوراحمد جکتاجی ۱۳۵۵ الف)، (پوراحمد جکتاجی ۱۳۵۵ ب)، (متاجی کجوری و حاجی حسین تهرانی ۱۳۹۰)، (دانش پژوه ۱۳۸۰)، (محسنیان راد ۱۳۷۱-۱۳۷۲)، (بختیار ۱۳۶۷)، (جوادی یگانه و زادقناد ۱۳۹۴)، (صبا ۱۳۴۵)، (کاظمی ۱۳۴۹) و (ثواب ۱۳۸۰).
 ۲. در بخش «کتاب‌نامه»، مشخصات منابعی که فاقد گزارش، تحلیل و یا اشاره‌ی قابل اعتنایی به موضوع عزاداری بوده‌اند، ذکر شده و با علامت * مشخص شده‌اند.

برای رسیدن به شناخت و فهمی حتی الامکان جامع و دقیق از روند پیدایش و تحول آیین مذکور است. به دلیل فقدان رویکرد تاریخ‌نگاری اجتماعی در بین ایرانیان تا دوره‌ی معاصر، سفرنامه‌ها و آثار توصیفی و تحلیلی مستشرقان و ایران‌شناسان، منابعی منحصر به فرد و ارزشمند در شناخت جامعه‌ی ایرانی خصوصاً در قرن‌های دهم تا سیزدهم هجری محسوب می‌شوند. جایگاه «بیگانه» (غیرباورمند غیربومی) موقعیت ممتازی برای پدیدآوردندگان این آثار فراهم آورده بود تا حیات روزمره و فرهنگ عمومی جامعه‌ی ایرانی را/زیربُرون و به مثابه‌ی «ابژه» ببینند و بشناسند و گزارش کنند. مشاهده‌ی آنان، بالقوه از سه حجاب «عادت»، «تکرار» و «تعلق» عاری بوده و در نتیجه می‌توانسته‌اند چیزی را ببینند که یک ایرانی شیعه در آن روزگار نمی‌توانسته است ببیند. (روشن است که این نتوانستن محصول جایگاه مشاهده‌گراست، نه یک ارزش‌گذاری ذاتی. همچنان‌که اگر جای این دو عوض می‌شد، نسبت مذکور نیز به صورت معکوس می‌توانست برقرار شود. برای مثال، توصیفات سفرنامه‌های ایرانیانی چون حاج سیاح، ناصرالدین شاه و عزالدوله از دیار فرنگ را می‌توان شاهد آورد.) این البته وجه مثبت منابع مذکور است. در عین حال، این منابع، یا حداقل بخش اعظم آن‌ها که توسط نویسندگان غربی پدید آمده‌اند، وجهی منفی نیز دارند که نباید از نظر دور داشت.

سفرنامه‌ها و دیگر منابع مورد استفاده در پژوهش حاضر، بخشی از میراث «شرق‌شناسی»^۱ محسوب می‌شوند. شرق‌شناسی را اجمالاً دانشی دانسته‌اند ناظر به مطالعه و بررسی توصیفی و تحلیلی سرزمین‌ها و مردمان مشرق‌زمین و تاریخ، جغرافیا، زبان، فرهنگ و آداب و رسوم ایشان توسط محققان غربی.^۲ دانشی که متأثر از خاستگاه جغرافیایی و معرفتی‌اش (اروپای پس از جنگ‌های صلیبی) و با هدف شناخت «دیگری» شرقی از منظر اروپامداری^۳ تکوین یافت. شرق‌شناسان متهم شده‌اند که به عنوان «سفیدپوستان» صاحب علم و تکنولوژی و دین برتر (مسیحیت) «با به سرزمین‌های شرقی و اسلامی گذاشته‌اند تا با مطالعه و شناخت آن سرزمین‌ها و مردمان‌شان مسیر

1. Orientalism.

۲. از «شرق‌شناسی» تعاریف متعددی ارائه شده و چالش‌های بسیاری پیرامون آن شکل گرفته است. برای آشنایی با تعاریف، تاریخچه، جریان‌ها و چالش‌های این مفهوم، نک: (سعید ۱۳۸۶)، (سردار ۱۳۸۷)، (زقزوق ۱۳۹۲)، (بدوی ۱۳۷۷)، (جلیله ۱۳۵۱)، (طیباوی ۱۳۴۹)، (بارتولد ۱۳۵۱)، (اسعدی ۱۳۸۱)، (الویری ۱۳۸۱)، (زمانی ۱۳۸۷)، (سحاب ۱۳۵۶) و (ترنر ۱۳۸۶).

3. Eurocentrism.

استعمار و استثمارشان را هموار سازند. آن‌ها متهم‌اند که در شناخت و معرفی شرق و اسلام، بی‌طرف و منصف نبوده‌اند و به نام تحقیق علم و در راستای منافع خود، ابتدا تصویری ناراست و تحریف‌شده از «دیگری» شرقی و مسلمان خود بر ساخته‌اند و در اثر تکرار در آثار متعدد خویش آن را تثبیت کرده‌اند، سپس به تحلیل آن تصویر خود ساخته پرداخته‌اند. ماحصل این روند، چنان‌که ادوارد سعید شرح می‌دهد^۱، پدید آمدن شرق‌شناسی به مثابه‌ی یک «گفتمان^۲» - در مفهوم فوکویی - است که در شناخت و تحلیل شرق و اسلام هژمونی یافته است.

البته چنان‌که در فصل‌های آتی خواهیم دید، غلظت رویکرد شرق‌شناسانه در همه‌ی منابع مورد استناد در پژوهش حاضر، به یک میزان و از یک سنخ نیست. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این منابع را بر اساس ایماژها و کلان‌روایت‌هایشان از ایران و ایرانی به سه گروه تقسیم کرد؛ ایماژهایی که نسبت وثیقی دارند با پیشه و انگیزه و هدف سفر گزارشگران به ایران:

۱. «ایران بدوی». در یک دسته از آثار، ایران به مثابه‌ی کشوری تاریخی و غنی از حیث منابع طبیعی، اما عقب‌افتاده و گرفتار در دست حکمرانانی فرومایه و مستبد و مردمانی نادان و خرافاتی تصویر شده است. پررنگ‌ترین سویه‌های اروپامداری را در این آثار - که شمارشان کم نیست - شاهدیم. نویسندگان این آثار، ضمن گزارش مشاهدات و تجربیات خود، ابایی از به‌کارگیری تعابیری تحقیرآمیز، زننده و موهن در وصف ایرانیان ندارند. در این آثار، به تبع منابع کلاسیک شرق‌شناسی، اسلام دینی مجعول و التقاطی، و تشیع مذهبی خرافی دانسته شده و عزاداری، رفتاری بدوی و جاهلی معرفی می‌شود که نشان‌دهنده‌ی فاصله‌ی بسیار ایرانیان از مدنیت است. میسیونرها، بازرگانان و دیپلمات‌ها در بین پدیدآوردگان این آثار، بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. «ایران افسانه‌ای». در دسته‌ی دوم، ایران به عنوان کشوری باستانی و رازآلود با فرهنگی زیبا و مردمانی جذاب تصویر می‌شود. نویسندگان این دسته منابع، متأثر از تصویرسازی‌هایی که از شرق دور دست به مثابه‌ی سرزمین سحر و راز و زیبایی شده بود، ایران را توأم با نوعی شیفتگی توصیف می‌کنند. زبان شاعرانه و تفسیرهای اغراق‌آمیز و نمادین از تاریخ و فرهنگ و نیز

۱. (سعید ۱۳۸۶) و (سعید ۱۳۷۹).

ابنیه و مردم ایران از ویژگی‌های این دسته آثار است. البته خیال‌انگیزی و رازآلودی شرقی در نقطه‌ی مقابل واقع‌گرایی و عقلانیت غربی قرار داده می‌شود و بدین جهت، این آثار نیز با وجود ابزار شیفتگی نسبت به ایران و گاه اسلام و تشیع، خالی از رگه‌های اروپامداری نیستند؛ گرچه به نسبت دسته‌ی نخست زبانی همدلانه‌تر دارند. پدیدآورندگان این دسته آثار، اغلب شاعران و ادیبان و مورخان بوده‌اند.

۳. «ایران فرهنگی». سومین دسته از منابع، که متأخرتر از دو دسته‌ی دیگرند، متأثر از تحولات جریان شرق‌شناسی و بازانديشی در رویکردهای کلاسیک استعماری و نیز ضعف شرق (خصوصاً پس از فروپاشی عثمانی) و رفع احساس خطر از این «دشمن»، مطالعات و پژوهش‌های تخصصی و علمی را شامل می‌شوند که کم‌تر سویه‌های ارزش‌داورانه‌ی آشکار دارند. در این آثار، ایران به مثابه‌ی بهشت محققان و منبع شناخت و میدان بکری برای پژوهش‌های علمی تصویر شده است. امروزه البته کم‌تر کسی حامی این تلقی ساده‌انگارانه است که میان علم و ارزش مرز مشخص و قاطعی می‌توان رسم کرد. کمابیش پذیرفته شده است که «شرق‌شناسی علمی» نیز شاخه‌ای از استشرق است و نهایتاً مانند اسلاف کلاسیک خود در خدمت بسط سلطه و نفوذ غرب در کشورهای شرقی عمل کرده است. دانشمندان و آکادمیسین‌های غربی، البته مانند میسیونرهای ژزوئیت علناً با شعار «تغییر مذهب خرافی» (اسلام و تشیع) فعالیت نکرده‌اند؛ با این همه دشوار می‌توان تحقیقات گسترده و متمرکز جغرافیایی دانشمندان روسی در مناطق شمالی ایران یا حفاری‌های باستان‌شناسان فرانسوی در مناطق جنوب و جنوب غربی یا نقشه‌برداری‌های افسران بریتانیایی از مناطق شرقی و مرکزی را صرفاً در جهت ارتقای دانش بشری و خالی از انگیزه‌های سیاسی و استعماری دانست.

در هر حال و با وجود همه‌ی نقدهایی که بر مستشرقان و آثارشان وارد شده، برای دست‌یابی به داده‌های دست‌اول تاریخی از کیفیت حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی در ادوار پیشین، گریزی از رجوع و استناد به این منابع نیست و نمی‌توان ارزش بالای همین گزارش‌های آمیخته با سویه‌های شرق‌شناسانه را در مطالعات تاریخی تشیع و ایران‌شناسی انکار کرد. گواهی که ما ناگزیریم برای شناخت خود در آینه‌ای بنگریم که خود نساخته‌ایم. آینه‌ای که می‌دانیم برخلاف ظاهر صیقل‌یافته و شفاف و جلادیده‌اش، بی‌زنگار نیست و گاه محدب است و گاه مقعر. البته که باید در مواجهه با

آن‌ها، رویکردی نقادانه داشت و در میزان اعتماد و تکیه بر گزارش‌ها و تحلیل‌هایشان محتاطانه عمل کرد. کوتاه‌سخن آن‌که مراجعه و استناد من در پژوهش حاضر به سفرنامه‌ها و دیگر منابع شرق‌شناسانه، اولاً از سرناگزیری است و ثانیاً با علم به سویه‌های شرق‌شناسانه‌ی این آثار و ثالثاً با رویکرد نقادانه.

پیشینه‌ی پژوهش

گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی از عزاداری، پیش‌تر موضوع کتاب‌ها و مقالاتی بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی»^۱ (اثر رسول جعفریان). در این مقاله، نویسنده برش‌هایی کوتاه از حدود ۱۶ سفرنامه از دوره‌های مختلف صفویه تا انقلاب اسلامی را نقل کرده و برخی مضامین و اشتباهات پربسامد سفرنامه‌نویسان در گزارش عزاداری را برشمرده است.
- دولت‌تثاتی و شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی مدرن اولیه در ایران: مطالعاتی درباره‌ی مراسم محرم در دوره‌ی صفویه^۲ (اثر بابک رحیمی). در این کتاب، نویسنده با بررسی سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی، ۲۳ گزارش عزاداری را استخراج کرده و به تحلیل آن‌ها پرداخته است^۳. (این کتاب هنوز به فارسی ترجمه نشده است.)
- آیین عزاداری از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی^۴ (اثر جواد نظری مقدم). در این کتاب، نویسنده کوشیده است به اختصار و بدون رعایت توالی گزارش‌ها، ویژگی‌های آیین عزاداری به‌طور کلی را از حدود ۵۰ سفرنامه متعلق به ادوار مختلف (از صفویه تا دوره‌ی معاصر) استخراج کند.
- «بررسی سیر تطور مراسم سوگواری شیعه در عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های غربی»^۵ (اثر سمیه عباسی). در این مقاله، گزارشی اجمالی از برگزینی عزاداری در دوره‌ی قاجار با نقل قول‌هایی از حدود ۱۰ سفرنامه ارائه شده است.

۱. (جعفریان ۱۳۷۱).

2. *Theater State and the Formation of Early Modern Public Sphere in Iran: Studies on Safavid Muharram Rituals.*

3. (Rahimi 2011).

۴. (نظری مقدم ۱۳۹۵).

۵. (عباسی ۱۳۸۸).

- علاوه بر این منابع، که به تمامی با موضوع گزارش سفرنامه‌ها از عزاداری نگاشته شده‌اند، در برخی منابع دیگر نیز بخش مستقل یا مهمی به این مبحث اختصاص یافته است؛ از جمله:
- *معتقدات و آداب ایرانی*^۱ (اثر هانری ماسه). در فصل ۴ این کتاب، مؤلف با استناد به گزارش‌های مختلف سفرنامه‌نویسان اروپایی به معرفی و توصیف عزاداری در ایران پرداخته است. از نظر بررسی گزارش‌ها و رعایت توالی زمانی آن‌ها، این کتاب را باید جزو نخستین منابع در موضوع کتاب حاضر و از این جهت واجد فضل تقدم پژوهشی دانست.
 - «آیین‌ها و اقتدار تشیع: تحکیم تشیع صفوی: مذهب پرطرفدار و مردمی»^۲ (اثر ژان کالمار). در این مقاله، نویسنده بر پایه‌ی گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی، روند پیدایش و تکوین آیین‌های شیعی خصوصاً عزاداری در دوره‌ی صفوی را بررسی کرده است. این مقاله را می‌توان یکی از دقیق‌ترین و روش‌مندترین بررسی‌ها درباره‌ی کیفیت برگزاری عزاداری در دوره‌ی صفوی دانست.
 - *تعزیه در ایران*^۳ (اثر صادق همایونی). در بخش اول این کتاب، مبحثی با عنوان «جهانگردان و تعزیه» به بررسی شماری از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان از عزاداری به ویژه تعزیه اختصاص یافته است. علاوه بر آن، مؤلف در بخش‌های دیگر کتاب نیز به فراخور موضوع، برش‌هایی از سفرنامه‌ها را نقل کرده و به آن‌ها استناد جسته است.
 - *تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی*^۴ (اثر علی بلوکباشی). در فرازی از بخش دوم این کتاب، تحت عنوان «گزاره نویسی خارجیان از تعزیه‌خوانی»، مؤلف پس از مروری گذرا بر گزارش‌های چند سفرنامه‌ی مشهور مربوط به دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه قاجار، به تفصیل، یکی از آن‌ها یعنی گزارش جیمز موریه را بررسی و تحلیل کرده است. همچنین در فصل دیگری از کتاب با عنوان «توصیفی از تعزیه‌ی قاسم» گزارش‌های اوستایش دولوری از کیفیت برگزاری تعزیه در دوره‌ی مظفرالدین شاه با نقل برش‌هایی از آن، بررسی شده است.

۱. (ماسه ۱۳۸۷).

۲. (کالمار ۱۳۷۹).

۳. (همایونی ۱۳۸۰).

۴. (بلوکباشی ۱۳۹۰).

- پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا آخر دوره ی قاجار در تهران^۱ (اثر عنایت الله شهیدی). در این کتاب، به فراخور مطالب، ارجاعات متعددی به گزارش های سفرنامه نویسان درباره ی تعزیه شده است. از جمله در فصل سوم از بخش نخست، سه گزارش از سفرنامه های دوره ی زندیه (متعلق به نیبور، گملین و فرانکلین) نقد و بررسی شده اند.
- پرده های بازی^۲ (به کوشش جلال ستاری). در این کتاب، ترجمه ی چهار مقاله از گوینو، خودزکو، لاندو و ویرولو با موضوع گزارش و تحلیل تعزیه آمده است.
- رسانه ی شیعه: جامعه شناسی آیین های سوگواری و هیئت های مذهبی در ایران^۳ (اثر محسن حسام مظاهری). در فصل اول این کتاب، که به بررسی تاریخی شکل گیری و تغییرات عزاداری در ادوار مختلف اختصاص یافته، به دفعات گزارش های سفرنامه نویسان محل ارجاع بوده است.
- جلوه هایی از فرهنگ مردم ایران در سفرنامه ها^۴ (اثر مصطفی خلعتبری لیماکی). در فصل چهارم این کتاب، نویسنده گزارش های برخی سفرنامه نویسان دوره های صفوی و قاجار از عزاداری را بررسی کرده است.
- تعزیه از نگاه مستشرقان^۵ (به کوشش و ترجمه ی محمود عزیزی). در این کتاب، ترجمه ی سه مقاله از خودزکو، ویرولو و دوژنره در موضوع تعزیه آمده است. گرچه برخلاف انتظاری که نام کتاب پدید می آورد، بحثی در بررسی و تحلیل نظر مستشرقان ارایه نشده است.
- تاریخ و جلوه های عزاداری امام حسین (ع) در ایران^۶ (اثر اصغر حیدری). فصل های ۴ و ۵ این کتاب به بررسی، تحلیل و نقد گزارش های سفرنامه نویسان از عزاداری محرم در دو مقطع صفویه و قاجار اختصاص یافته است. البته تمرکز کتاب بر دوره ی صفویه است و به گزارش های دوره ی قاجار به صورت محدود و مختصر پرداخته شده است.

۱. (شهیدی ۱۳۸۰).

۲. (ستاری ۱۳۷۹).

۳. (مظاهری ۱۳۸۷).

۴. (خلعتبری لیماکی ۱۳۸۷).

۵. (عزیزی ۱۳۸۸).

۶. (حیدری ۱۳۹۱).

● *تاریخ تئاتر در ایران*^۱ (اثرویلیم فلور). فصل‌های سوم، چهارم و پنجم این کتاب به بررسی تاریخ و تحلیل آیین‌های نمایشی مذهبی (نقالی، روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی) اختصاص یافته و مؤلف در آن‌ها به دفعات شواهدی از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی از این آیین‌ها را نقل کرده است.

● «مطالعات مردم‌شناختی و فرهنگ‌شناختی مفهوم و تاریخچه‌ی نمادهای سوگواری»^۲. (اثر محبوبه صدیقی). در این مقاله، نویسنده مختصراً به شماری از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان و تحلیل‌گران غربی درباره‌ی نمادهای عزاداری اشاره کرده است.

● *شکل‌گیری و تحول مراسم مذهبی در عهد صفویه*^۳ (اثر حسین ایزدی). فصل سوم این کتاب، «اروپاییان قرن شانزده میلادی و مراسم مذهبی عهد صفویه» نام دارد و در آن گزارش‌های ۸ سفرنامه‌ی مشهور دوره‌ی صفوی از عزاداری مذهبی (به‌طور کلی) بررسی شده و از خلال آن‌ها برخی ویژگی‌های عزاداری در آن دوره بیان شده است.



کتاب حاضر، در بررسی گزارش‌های سفرنامه‌نویسان از عزاداری در مقایسه با منابع مشابه پیشین که ذکر شد، تفاوت‌ها و امتیازاتی دارد؛ ازجمله:

● تنوع داده‌ها:

در کتاب حاضر، علاوه بر گزارش‌های مکتوب، اسناد تصویری نیز گردآوری شده و دلالت‌های تاریخی و اسنادی آن‌ها بررسی شده است.

● تنوع منابع:

در کتاب حاضر، تنها به منابع نویسندگان غربی اتکا نشده و گزارش‌ها و تحلیل‌های ترجمه‌شده از سفرنامه‌نویسان و محققان شرقی غیرمسلمان (خصوصاً ژاپنی و روسی) نیز بررسی شده‌اند.

● گستردگی منابع:

در کتاب حاضر، علاوه بر استفاده‌ی حداکثری از سفرنامه‌ها، تنها به این دسته منابع اکتفا نشده

۱. (فلور ۱۳۹۶).

۲. (صدیقی ۱۳۸۸).

۳. (ایزدی ۱۳۹۵).

و منابع مرتبط دیگر (نظیر مقالات و آثار پژوهشی در حوزه‌های مختلف اسلام و ایران) نیز بررسی شده‌اند. همچنین در مواردی که کل یک منبع ترجمه نشده است، از برش‌های نقل مستقیم که از آن در منابع دست دوم آمده، استفاده شده است.

● بهره‌گیری از جدیدترین منابع:

در کتاب حاضر، از منابع جدیدالانتشار (تا پایان پاییز ۱۳۹۶) که در کتاب‌ها و مقالات قبلی با موضوع مشابه بررسی نشده‌اند نیز استفاده شده است.

● نقل کامل گزارش‌ها:

در کتاب حاضر، علاوه بر بررسی و تحلیل گزارش‌ها، متن کامل آن‌ها نیز جهت بهره‌داری بیش‌تر مخاطبان و محققان آورده شده است.

● رعایت سیر تاریخی پیوسته تا امروز:

تمرکز پژوهش‌های قبلی، بیش‌تر بر گزارش‌های عزاداری در دو مقطع صفویه و قاجار بوده است. ولی در کتاب حاضر، تلاش شده است در سیری پیوسته گزارش‌های موجود از صفویه تا امروز بررسی شوند. به خصوص گردآوری و تحلیل گزارش‌های مقطع معاصر (از پهلوی تا جمهوری اسلامی) از امتیازات کتاب حاضر است.

● بهره‌گیری از نسخه‌های زبان اصلی:

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در کتاب حاضر، جهت تکمیل و تدقیق اطلاعات از نسخه‌های زبان اصلی شمار زیادی از منابع نیز بهره‌گیری شده است.

● ارایه‌ی اطلاعات مکمل:

در کتاب حاضر، علاوه بر داده‌های اصلی یعنی گزارش‌های ناظران خارجی از عزاداری، مجموعه‌ای از اطلاعات مکمل و جانبی مهم و قابل استفاده در فهم و تفسیر گزارش‌ها (مانند زندگی‌نامه‌ی سفرنامه‌نویسان) نیز آمده است.

منابع پژوهش

گستره‌ی منابع مورد استفاده در کتاب حاضر، شامل مجموعه‌ی سفرنامه‌ها، خاطرات، گزارش‌ها، نامه‌ها و دیگر آثاری است که نویسندگان غیرمسلمان درباره‌ی اسلام، شیع و ایران پدید آورده‌اند و در

آن‌ها به موضوع عزاداری مذهبی شیعیان ایرانی پرداخته شده است. این منابع، جملگی به زبان‌های دیگر نگاشته شده‌اند و اتکای کتاب حاضر بر شماری از آن‌ها است که ترجمه‌ی فارسی‌شان موجود است. گرچه به‌کوشش مترجمان، تاکنون بخش قابل توجه‌ای از این منابع (خصوصاً سفرنامه‌های شاخص دوره‌های صفویه و قاجار) به فارسی ترجمه شده‌اند، ولی کم نیستند منابع ترجمه‌نشده‌ای که حاوی گزارش‌هایی مهم از عزاداری‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان از سفرنامه‌های استفان کاکاش در دوره‌ی صفوی و میسل رستم و س. لومینسکی در دوره‌ی قاجار نام برد که تا زمان نگارش کتاب حاضر، به فارسی ترجمه نشده‌اند و از ارجاعات منابع دیگر می‌دانیم در آن‌ها گزارش‌های مهمی درباره‌ی عزاداری آمده است؛ گزارش‌هایی که محتمل است حاوی داده‌های تازه‌ای باشند. باین اوصاف، کتاب حاضر یک جلد نانوشته‌ی دیگر هم دارد که باید براساس آن دسته از گزارش‌ها و تحلیل‌های مستشرقان، ایران‌شناسان و سفرنامه‌نویسان که هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند، نوشته شود.

این نکته هم لازم به ذکر است که من با وجود دستیابی به نسخه‌های زبان اصلی بسیاری از منابع مورد استفاده، اما ناگزیر از اعتماد به ترجمه‌های موجود بوده‌ام. زیرا تطابق ترجمه‌ها با متون اصلی، اولاً تبخرو تسلط به چندین زبان و ثانیاً صرف زمان و توانی مضاعف می‌طلبید که هردو بیرون از تخصص و توانایی من بود. البته در مواردی که از یک منبع، چند ترجمه موجود بود، حتی‌الامکان همه‌ی آن‌ها را دیده و با تطبیق و مقایسه، ترجمه‌ای که به نظر فنی‌تر و دقیق‌تر می‌رسید یا از زبان اصلی مستقیماً ترجمه شده بود را مبنا قرار داده‌ام. (در مواردی هم به دلایلی همزمان از چند ترجمه بهره گرفته‌ام.)

این اتکای ناگزیر به ترجمه‌های موجود، مشکلات و کاستی‌هایی را به کار تحمیل کرده است که بخشی از آن‌ها به چالش‌های ترجمه و تفاوت سبک مترجمان و بخشی دیگر به حساسیت موضوع و محدودیت‌های نشر (میزی) در مورد آثار مذهبی و نهایتاً بخشی هم به دستکاری‌های مترجمان در متن برمی‌گردد. اطلاع از این مشکلات و کاستی‌ها، بهره‌برداری از مطالب کتاب را دقیق‌تر خواهد کرد. به همین جهت به اختصار برخی از آن‌ها را برمی‌شمرم:

● تصحیح اطلاعات نادرست مؤلف توسط مترجم

بسیاری از سفرنامه‌نویسان، آشنایی دقیقی با تاریخ ایران و مسایل اعتقادی شیعیان

نداشته‌اند و به جز شماری اندک از ایشان که محقق و ایران‌شناس بوده‌اند، اغلب شناخت‌شان از ایران نهایتاً محدود به گزارش‌های سفرنامه‌نویسان قبل از خود بوده است. چنان‌که در فصل‌های آتی خواهیم دید، این نقصان سبب بروز خطاهایی در گزارش‌های ایشان شده است. به عنوان مثال کم نیستند سفرنامه‌نویسانی که در گزارش خود بین نام‌های حسن و حسین خلط کرده یا از عاشورا به عنوان روز شهادت هردو امام نام برده‌اند. در این قبیل موارد، برخی مترجمان، اشتباهات مؤلف را در ترجمه اصلاح کرده‌اند؛ گاه حتی بدون توضیحی در پاورقی. درحالی‌که این اشتباهات برای پژوهشی مانند کتاب حاضر، خود «داده» محسوب می‌شوند و موضوعیت دارند. به همین دلیل در نقل گزارش‌ها حتی الامکان و طبعاً در مواردی که محل تغییر و اصلاح دقیقاً مشخص بوده، اصلاحات مترجمان را حذف کرده‌ام تا امکان بررسی متن خالص تر فراهم آید.

● برابرگزینی‌های غیروفادار به متن

برخی مترجمان در ترجمه به جای وفاداری به متن اصلی، اولویت را به فهم مخاطب فارسی داده و برابری‌های آشناتر و امروزی را برمی‌گزینند. این امر، گرچه ممکن است برای مخاطب عام مفید باشد، ولی برای محقق‌هایی که بخواهند متن ترجمه را به عنوان سند بررسی کنند، مشکل‌آفرین است. به عنوان مثال در برخی منابع، سفرنامه‌نویس برای کسانی که به نوحه خوانی در مراسم عزاداری می‌پرداخته‌اند، از واژه‌ی «شاعر» استفاده کرده است. ولی مترجم به جای آن، واژه‌ی «مداح» را در ترجمه آورده که در فهم امروزی، برگردان دقیق‌تری است، اما برداشت ما از کاربرد اصطلاحات در زمان ثبت گزارش را به خطا می‌برد. همین‌طور است کاربرد واژه‌هایی چون «قمه زنی / تیغ‌زنی» و «علم / علامت» در متن ترجمه‌ها که نمی‌توان اطمینان داشت نویسنده دقیقاً از همان‌ها استفاده کرده باشد. در نتیجه در بررسی کاربری واژه‌ها و اصطلاحات ذکرشده در ترجمه‌ها باید با احتیاط بیش‌تری برخورد کرد؛ خصوصاً در ترجمه‌های منابع دوره‌ی صفویه که منابع مکمل برای تطبیق به اندازهی کافی موجود نیست.

● ترجمه‌های آزاد

چنان‌که گفته شد تفاوت سبک کار مترجمان از جمله در میزان وفاداری به متن اصلی و دقت ترجمه، در استناد مشکلاتی را پدید می‌آورد. به عنوان مثال به این دو ترجمه از بخشی از سفرنامه‌ی آرنولد ویلسون توجه کنید:

ترجمه‌ی ۱:

سپس آخوند محل برای نماز و وعظ و خطابه حضور به هم می‌رسانید و درموقع ورود او همه تمام‌قد از جای برمی‌خاستند، غیراز خان که فقط نیم‌خیز می‌کرد. این آقای پیشنماز معمولاً پهلوی خان می‌نشست و پس از صرف چای و قلیان به نماز برمی‌خاست. در موقعی که خان و حواشی او نماز می‌خواندند این جانب در وسط محوطه قدم زده، و به آسمان و لمعات دل‌فریب ماه و چشمک‌های ستارگان می‌نگریستم. یکی از شب‌ها علیم‌رادخان برای این‌که وضع‌پذیرایی او یکنواخت و خسته‌کننده نباشد و تنوع پیدا کند یک نفر درویش را احضار نمود ...^۱

ترجمه‌ی ۲:

بعد از آن مرد روحانی (سید) از راه رسید و همه به احترام او بلند شدند، به جز خان که نیم‌خیزی کرد. مرد روحانی در کنار خان نشست. مثل هر مجلس مذهبی دیگر در ایران چند صلوات رد و بدل شد و بعد ناطقی از سید خواست که چند آیه قرآن بخواند. سید اول برای وضو آب خواست. بعد از آن، با قرائت چند آیه با صدای بلند، مانند یک مؤذن، همگی به نماز جماعت ایستادند. ضمن نماز همگی چند بار رکوع و سجود رفتند. در این حال من از در بیرون رفتم و در نور ماه به دره و کوه‌های باصلابت نگاه می‌کردم و از زیبایی آن‌ها لذت می‌بردم. نماز تمام شد. همه سر جای خود برگشتند و مرد روحانی مجدداً خواندن مضامین دینی را شروع کرد. در مرحله‌ی اول خطبه‌ای خواند و سپس روایت حزن‌انگیز شهادت مظلومانه‌ی امام حسین (اسطوره‌ی مظلومیت در ایران) را تعریف کرد. اشک از چشمان همه سرازیر شد؛ اگرچه ماه محرم نبود و این‌گونه برنامه‌ها در محرم - که ماه شهادت اوست - اجرا می‌شود. سپس با روایت شادتری برنامه را به پایان رساند. شبی برای تغییر برنامه، خان درویشی را به منزل دعوت کرد ...^۲

برش نخست، از ترجمه‌ی حسین سعادت نوری و برش دوم از ترجمه‌ی فریور جوانبخت موثق انتخاب شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در ترجمه‌ی دوم، توصیفی از روضه‌خوانی در

۱. (ویلسون ۱۳۴۷: ۷۷-۷۸).

۲. (ویلسون ۱۳۹۶: ۹۶).

حاشیه‌ی مهمانی علیمرادخان آورده شده، درحالی‌که در ترجمه‌ی نخست هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است. نمونه‌های مشابه در دیگر ترجمه‌ها کم نیست.

● افزوده‌های مترجمان

دخالت و اعمال سلیقه‌ی برخی مترجمان در ترجمه‌ی متون، به‌ویژه در مورد مسایل اعتقادی و مذهبی، کاملاً مشهود است. نمونه‌ی رایج این رویه، ذکر القاب و عناوین احترام‌آمیز مرسوم برای بزرگان مذهبی است. مانند استفاده از تعبیر «ائمه‌ی اطهار» به جای «امامان شیعه» و یا ذکر عبارات دعایی مانند «علیه السلام» پس از نام امامان و اهل بیت که طبعاً از یک جهانگرد و نویسنده‌ی غیرمسلمان انتظار نمی‌رود. در کتاب حاضر، به جهت کاستن از پیرایه‌های ترجمه، این افزوده‌ها از متن نقل قول‌ها حذف شده‌اند. البته واژه‌های پربسامد مانند «حضرت» و «امام» حذف نشده‌اند؛ زیرا این احتمال وجود دارد که گزارش نویسان بر اثر مسموعات خود از این واژه‌ها استفاده کرده باشند. مگر مواردی که مثلاً با کاربرد [] مشخص شده که این واژه‌ها توسط مترجم افزوده شده است.

● محذوفات مترجمان

مشکل دیگر، مطالبی است که مترجمان از ترجمه‌ی آن‌ها صرف نظر کرده‌اند. این محذوفات عمدتاً دودسته‌اند: دسته‌ی اول مطالبی که برخی مترجمان با این استدلال که تکراری‌اند یا اطلاعات جدیدی به خواننده‌ی ایرانی نمی‌دهند، از متن حذف کرده‌اند. مثلاً در موضوع بررسی ما، گاه مؤلف توصیفی از کیفیت عزاداری آورده یا اشاره‌ای به تاریخ عاشورا کرده، ولی مترجم از ترجمه‌ی آن قسمت از متن صرف نظر کرده است. (نمونه‌ی این حذف را می‌توان در ترجمه‌ی جلال ستاری از مقاله‌ی گوینو دید^۱).

اما دسته‌ی دوم محذوفات، مطالب حاوی مضمون یا ادبیات توهین‌آمیز نسبت به مقدسات دینی است که مترجمان اغلب به احترام مخاطب یا به جهت رعایت قوانین نشر و ممیزی از نقل آن‌ها خودداری کرده‌اند. روشن است که این دسته مطالب در بررسی نظرگاه نویسندگان خارجی به عزاداری اهمیت بسیاری دارند و حذف آن‌ها ضربه‌ی مهمی به پژوهش حاضر زده است که قابل جبران نیست.

معرفی بخش‌های کتاب

کتاب حاضر، دو بخش دارد. در بخش نخست، گزارش‌های موجود به فارسی که سفرنامه‌نویسان خارجی از مراسم عزاداری و نیز اسناد تصویری که در منابع خارجی درباره‌ی این مراسم آمده، گردآوری شده و به ترتیب زمانی و تفکیک مقاطع تاریخی تنظیم و تدوین شده است.

آیین عزاداری در این حدود پنج قرن (از صفویه تا امروز) کیفیت ثابت و یکسانی نداشته و مانند هر پدیده‌ی اجتماعی - فرهنگی دیگر، تغییرات بسیاری را تجربه کرده است. این تغییرات در سفرنامه‌ها به خوبی انعکاس یافته است. ۸. رخداد را می‌توان به عنوان نقاط عطف در سیر تغییرات عزاداری در این پنج قرن به حساب آورد:

۱. تأسیس حکومت شیعی صفویه

۲. سقوط صفویه

۳. تأسیس حکومت شیعی قاجار

۴. وقوع جنبش مشروطه خواهی

۵. آغاز مدرنیزاسیون رضاشاه

۶. عزل رضاشاه

۷. اوج‌گیری انقلاب اسلامی

۸. تأسیس حکومت شیعی جمهوری اسلامی

براساس این نقاط عطف، دوره‌ی حیات آیین عزاداری در ایران از صفویه تا امروز را می‌توان به ۸ مقطع تقسیم کرد؛ مقاطعی که عزاداری در هر کدام آن‌ها تعریف و کیفیت مستقلی داشته است. این مقاطع به ترتیب عبارتند از:

● دوره‌ی صفویه (۱۵۰۲-۱۷۲۲م)

● از زوال صفویه تا برآمدن قاجار (۱۷۲۲-۱۷۸۹م)

● از آغاز قاجار تا میانه‌ی مشروطه (۱۷۷۹-۱۹۰۷م)

● از میانه‌ی مشروطه تا نیمه‌ی اول سلطنت رضاشاه (۱۹۰۸-۱۹۳۰م)

● سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه (۱۹۳۰-۱۹۴۱م)

● از آغاز سلطنت محمدرضاشاه تا آستانه‌ی انقلاب اسلامی (۱۹۴۱-۱۹۷۷م)

● انقلاب اسلامی (۱۹۷۸-۱۹۷۹م)

● جمهوری اسلامی (۱۹۸۰-۲۰۱۰م)^۱

برای شناخت دقیق سیر تغییرات فرمی و مضمونی عزاداری، گزارش‌های مربوط به هر کدام از این مقاطع، در فصلی مجزا آورده شده است. در هر کدام این فصول هشت گانه، ابتدا توضیحی درباره‌ی زمینه‌ی تاریخی - فرهنگی و وضعیت کلی برگزاری آیین عزاداری در آن مقطع آورده شده است. سپس گزارش آماری وضعیت اسناد و گزارش‌های هر فصل (تعداد گزارش‌ها و پراکندگی زمانی و جغرافیایی آن‌ها، تعداد گزارش‌نویسان و مشخصات‌شان از جمله جنسیت، ملیت و دلیل سفر به ایران) ارائه شده است. در ادامه، ویژگی‌های برجسته‌ی عزاداری در آن مقطع براساس محورهای مشترک گزارش‌ها بیان شده است. پس از این مقدمات، در زیرفصل‌های مستقل، گزارش‌ها به ترتیب تاریخ ثبت‌شان، همراه با معرفی نویسندگان و منابع آورده شده‌اند. در مورد هر نویسنده، ابتدا شناخت‌نامه‌ی مختصر و شامل تصویر و مشخصات مربوط به تحصیلات، حرفه و شغل، انگیزه و هدف از سفر به ایران، زمینه‌ی تاریخی و کیفیت سفر، مدت اقامت در ایران و شهرهایی که از آن‌ها بازدید کرده و عناوین آثارش (حداکثر پنج اثر) آورده شده است. دلیل ذکر این اطلاعات، اهمیتی است که آن‌ها در فهم و ارزیابی گزارش‌ها دارند. زیرا همه‌ی گزارش‌ها از نظر ارزش و اعتبار، همسان نیستند و در میزان اعتماد و تکیه بر آن‌ها باید به سطح اعتبار راوی آن‌ها یعنی سفرنامه‌نویسان توجه داشت. این‌که راوی چه کسی است و چگونه و با چه زمینه‌ای و از کدام «زاویه دید» واقعه‌ای را روایت می‌کند، اهمیتی هم‌پای خود روایت دارد. برای اعتبارسنجی گزارش‌ها، می‌توان شاخصی ترکیبی براساس معیارهای زیر را در نظر گرفت:

● میزان معلومات تاریخی و مذهبی نویسندگان

چنان‌که گفته شد بسیاری از سفرنامه‌نویسان پیش از سفر به ایران آشنایی اندکی با تاریخ و فرهنگ اسلام، تشیع و ایران داشته‌اند. همین سبب شده است که در مواجهه با مراسمی مذهبی مانند عزاداری، تفسیرهای نادرستی داشته باشند و در روایت آن دچار خطاهای آشکاری شوند. اما در میان ایشان، برخی نیز بوده‌اند که پیش از سفر و در حین آن، دانش و شناخت قابل قبولی درباره‌ی ایران و تاریخ و مردمانش کسب کرده بودند (مانند جکسون). طبعاً در ارزش‌گذاری گزارش‌های این دو دسته از نویسندگان، باید تفاوت قایل شد.

● میزان آشنایی نویسندگان با زبان فارسی

تفاوت محسوسی است میان گزارش سفرنامه نویسانی که با زبان فارسی آشنایی داشته‌اند و دیگرانی که به واسطه‌ی مترجمین همراه‌شان جامعه‌ی ایرانی را شناخته و گزارش کرده‌اند. ناآشنایی سفرنامه نویسان با زبان فارسی - همان‌طور که ژان کالمار در مقاله‌ی «آیین‌ها و اقتدار تشیع» به‌درستی اشاره کرده است - گاه منجر به بروز اشتباهاتی در فهم و ثبت عزاداری و ادبیات مرتبط با آن (اصطلاحات، اشعار، نوحه‌ها، روضه‌ها و...) شده است.

● میزان اقامت نویسندگان در ایران

طبعاً هرچه مدت اقامت سفرنامه‌نویس در ایران بیش‌تر بوده باشد، امکان بیش‌تری برای شناخت دقیق‌تر جامعه و فرهنگ ایرانی داشته است. کیفیت مشاهدات و ارزش گزارش‌های سفرنامه‌نویسی که سال‌ها در ایران اقامت داشته (مانند شاردن) با کسی که فقط چند هفته موقتاً و برای مأموریتی کوتاه به ایران آمده است (مانند پاتینجر)، طبعاً برابر نیست.

● جنسیت نویسندگان

یکی دیگر از عوامل مؤثر در کیفیت گزارش‌ها، جنسیت راویان آن‌هاست. فارغ از تفاوت‌های زبانی و بیانی که در گزارش‌های زنان سفرنامه‌نویس در کتاب حاضر به‌خوبی مشهود است، روایت آیینی مانند عزاداری از زاویه دید یک زن تفاوت بسیاری با روایت مردانه‌ی آن دارد. (برای درک بیش‌ترین تفاوت، به عنوان نمونه، نک: گزارش‌های سرنا و دیولافوا).

● تحصیلات و شغل نویسندگان

این‌که سفرنامه‌نویس چه تحصیلاتی داشته و با چه عنوان و سمتی به ایران آمده بوده، مثلاً سفیر سیاسی بوده یا یک جهان‌گرد معمولی، بازرگان بوده یا محقق علمی یا میسیونر مذهبی و موارد دیگر بر کیفیت مشاهده و گزارش او اثرگذار بوده است. به عنوان مثال در گزارش‌های میسیونرهای مذهبی به جهت بالا بردن انگیزه و تعصب مسیحی معمولاً سوگیری منفی مشهودی علیه آموزه‌ها و مراسم شیعیان دیده می‌شود؛ در مقایسه با گزارش محققان علمی که معمولاً تعصب مذهبی کم‌تری بروز داده‌اند. گرچه در مجموع، بسیاری از گزارش‌ها خصوصاً گزارش‌های تا اواخر قاجار واجد لایه‌ای از مستشرق‌مآبی هستند و موضع خودبرتربینی اروپایی در آن‌ها آشکار است (نظیر گزارش‌های

دمورگان و فووریه). ولی در مقابل، کم نیستند سفرنامه نویسانی که همدلانه با شیعیان زبان به تعظیم واقعه‌ی عاشورا گشوده‌اند (نظیر گرترو بل) و حتی گاهی با شیفتگی از آیین عزاداری و تعزیه سخن رانده‌اند (نظیر بنجامین). تحصیلات و شغل از جهت انتخاب مکان مشاهده نیز بر گزارش‌های عزاداری اثرگذار بوده است. اغلب کسانی که با مأموریتی رسمی به ایران آمده‌اند، عزاداری‌های رسمی که توسط شاه و دربار برگزار می‌شده را روایت کرده‌اند. در حالی که مسافران معمولی، نوعاً راوی عزاداری‌های مردمی بوده‌اند. (به عنوان نمونه گزارش‌های تاورنیه و اشترویس از عزاداری در دوره‌ی صفویه را با هم مقایسه کنید.)

● گستره‌ی ایران‌گردی نویسندگان

این‌که یک سفرنامه‌نویس چه میزان به شهرها و مناطق مختلف ایران سفر کرده عامل دیگری است که در ارزیابی گزارش‌ها باید محل توجه باشد. طبعاً هرچه گستره و شعاع جغرافیایی سفرهای یک سفرنامه‌نویس در ایران وسیع‌تر بوده باشد، گزارش‌هایش قابلیت تعمیم‌دهی بیش‌تری دارند.

● خلیقات و ویژگی‌های شخصی نویسندگان

خلیقات و مجموعه ویژگی‌های شخصی و روان‌شناختی سفرنامه‌نویسان نیز بر کیفیت گزارش‌هایشان اثر مستقیم داشته است. ردپای خلیقاتی چون تندمزاجی، غرور، مردم‌دوستی، تلون، فرصت‌طلبی و نظایر این‌ها را در متن برخی سفرنامه‌ها آشکارا می‌توان دید که در کیفیت مشاهده‌شان مؤثر بوده است. همچنین اثر قضاوت پیشینی و موضع شخصی سفرنامه‌نویسان نسبت به ایران را در گزارش عزاداری‌ها می‌توان دید. تفاوت مشهودی است میان گزارش آن‌ها که شیفته‌ی ایران به عنوان مهد فرهنگ و هنر و معماری بوده‌اند و آن‌ها که به ایران به چشم کشوری عقب‌مانده با مردمانی خرافاتی و بی‌اخلاق نگریسته‌اند.

با این توضیحات، دلیل و اهمیت شناخت راویان پیش از هر روایت روشن می‌شود. به عبارت دیگر، برای فهم و تفسیر درست و ارزیابی روایت‌ها (در این جا: روایت‌ها از عزاداری) باید ابتدا شخصیت راوی به عنوان متن مکمل و مؤثر روایت مطالعه شود.

برای تنظیم شناخت‌نامه‌های سفرنامه‌نویسان، در درجه‌ی اول از توضیحاتی که معمولاً مؤلف یا مترجم در ابتدای کتاب آورده‌اند یا مطالبی که نویسنده در خلال متن کتاب درباره‌ی خود ذکر کرده، استفاده کرده‌ام. در مواردی که این اطلاعات ناکافی بودند، داده‌های تکمیلی را از منابع دیگر

مانند آثاری که در معرفی و نقد آن کتاب و نویسنده اش نگاشته شده، فرهنگنامه‌های مستشرقان و ایران‌شناسان^۱ و نهایتاً جستجوهای اینترنتی به‌ویژه در «دانشنامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا» (نسخه‌های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی) و نسخه‌ی آنلاین *دانشنامه‌ی ایرانیکا* تأمین کرده‌ام. پس از معرفی هر سفرنامه‌نویس و کتابش، به بررسی و نقد گزارش‌هایش از عزاداری پرداخته‌ام. در این بررسی، زاویه دید و موضع کلی راوی نسبت به عزاداری و احیاناً اشتباهات تاریخی و اسنادی که در گزارش مرتکب شده، بیان شده است. همچنین نکاتی که می‌توان از گزارش‌های هر سفرنامه درباره‌ی کیفیت عزاداری دریافت، فهرست شده‌اند.

پس از این مطالب، متن کامل گزارش یا گزارش‌های هر راوی، در برش‌هایی مجزا، نقل شده است. مبنایم در تقطیع برش‌ها، گزارش یک مجلس / مراسم بوده است. مثلاً اگر یک سفرنامه‌نویس در ایام محرم، در چند مجلس شرکت داشته و هر کدام را مستقلاً گزارش کرده، در تنظیم آن‌ها گزارش هر مجلس به صورت مجزا و به ترتیب زمانی آورده شده است.

در آغاز هر گزارش، مشخصات آن شامل «موضوع»، «زمان» و «مکان» استخراج و ذکر شده است. منظور از موضوع، مناسبت برگزاری مراسم یا مجلس است. برای مجالس و مراسم طول ۹ روز نخست دهه‌ی محرم، عنوان «عزاداری دهه‌ی محرم» و برای گزارش‌های اختصاصی روز عاشورا، به دلیل ویژگی‌های خاص عزاداری در این روز، عنوان «عزاداری عاشورا» آورده شده است. مناسبت‌های دیگر هم به نام خودشان عنوان‌گذاری شده‌اند (مثلاً: «عزاداری امام علی (ع)»). علاوه بر گزارش‌های مشاهده‌ای، در منابع، گاه مطالب متفرقه اما مرتبط با عزاداری نیز بوده‌اند که آن‌ها را نیز نقل کرده‌ام. مثلاً توصیف تکایا یا آمارهایی از مکان‌های مذهبی مرتبط با عزاداری. عنوان این دسته از برش‌ها، براساس مضمون محوری هر برش انتخاب شده است.

مشخصه‌ی دوم، زمان و تاریخ دقیق هر گزارش است. در آن دسته از منابع که یادداشت‌های روزانه بوده‌اند یا نویسنده مقید به ثبت تاریخ مشاهدات خود بوده است، این امر به سهولت صورت گرفته. اما در منابعی که تاریخ دقیق ذکر نشده، تلاش کرده‌ام از راه‌های مختلف از جمله براساس زمان حضور فرد در ایران و مرور سیر زمانی مطالب کتاب و قراین و شواهد مختلف دیگر، تاریخ

۱. از جمله: (فرهنگ خاورشناسان ۱۳۷۶-۱۳۸۸)، کتاب‌شناسی خاورشناسان ۱۳۷۲)، (سحاب ۱۳۵۶)، (بدوی ۱۳۷۷)، (رابینو ۱۳۶۳)، (بارتولد ۱۳۵۱)، (حسینی طباطبائی ۱۳۷۵) و (نیک‌بین ۱۳۸۰).

تخمینی را محاسبه کنم. در این موارد، قبل از ذکر سال، علامت اختصاری ح (به معنای حدوداً) یا پ (به معنای پیش از) یا ب (به معنای بعد از) به کار رفته است که تخمین زمانی حتی الامکان دقیق تر باشد. در مواردی که تاریخ سفر گزارش نویسنده به ایران دقیقاً ذکر نشده، سال نگارش کتاب، و اگر آن هم مشخص نبوده، سال نخستین چاپ کتاب به عنوان تاریخ ذکر شده است. در این موارد نیز از علامت اختصاری پ استفاده کرده‌ام. در مواردی هم که گزارش کلی بوده و براساس مجموع مشاهدات مستمرفرد در طی چند سال نوشته شده، بازه‌ی زمانی حضورش در ایران را به عنوان تاریخ ذکر کرده‌ام (مثلاً: ۱۹۷۸-۱۹۸۰م). همچنین به جهت سهولت بررسی و تدقیق بیش تر گزارش‌ها، زمان‌ها به هرسه تاریخ متداول (به ترتیب: میلادی، قمری و شمسی) آورده شده است. در مواردی که تاریخ‌های برابر توسط نویسندگان یا مترجم ذکر شده، همان‌ها آورده شده‌اند؛ البته پس از بررسی و تأیید صحت‌شان. زیرا گاهی این تاریخ‌های برابر توسط مترجم اشتباه محاسبه شده بودند. در اغلب موارد که تنها تاریخ میلادی ذکر شده بود، برابرهای قمری و شمسی آن را محاسبه کرده و داخل کروشه آورده‌ام. برای محاسبه‌ی این تاریخ‌ها از نرم‌افزار آن لاین «تبدیل تاریخ» در پایگاه اینترنتی «با حساب»^۱ استفاده کرده‌ام که در مقایسه با نرم‌افزارهای دیگر و نیز محاسبه‌ی دستی، دقت بالاتر و ضریب خطای کم‌تری داشت.

سومین مشخصه‌ی توضیحی برای هر گزارش، مکان آن است: شهر محل برگزاری مراسم یا مجلس عزاداری و در ادامه چنانچه در متن ذکر شده باشد نام مکان (مثلاً: «میدان نقش جهان»). در بخش نخست کتاب، علاوه بر گزارش‌های مکتوب، کوشیده‌ام اسناد تصویری مربوط به عزاداری (اعم از نقاشی و عکس) که توسط پدیدآورندگان خارجی تولید شده را هم گردآوری کنم. برای این امر، تنها به منابع ترجمه شده به فارسی اکتفا نشده، بلکه منابع به زبان‌های دیگر و منابع اینترنتی نیز مورد جستجو قرار گرفته‌اند. در نتیجه‌ی این جستجوها جمعاً ۶۹ عکس مستند از عزاداری یا مرتبط با آن گردآوری و در فصول مرتبط کتاب آورده شده است. برخی از این عکس‌ها توسط خود گزارشگران ثبت شده (نظیر عکس‌های هولسترو سوروگین) و مابقی عکس‌هایی از عکاسان دیگر است که نویسندگان در کتاب خود آورده‌اند. در این موارد تلاش کرده‌ام نام عکاسان را با رجوع به منابع اصلی بیابم. نقاشی‌ها نیز برخی به قلم خود سفرنامه‌نویسان بوده است (نظیر نقاشی‌های

ریچاردز) و برخی برپایه‌ی توصیفات و گزارش‌های یک سفرنامه‌نویس توسط نقاشی متبحر - که لزوماً به ایران سفری نداشته - ترسیم شده‌اند. طبعاً این دو دسته از نظر اعتبار اسنادی هم‌رتبه نیستند.



در بخش دوم کتاب، به تحلیل‌ها و بررسی‌های ۴۰ نفر از مستشرقان و ایران‌شناسان در موضوع آیین‌ها و مراسم عزاداری پرداخته‌ام. برای گردآوری داده‌های این فصل، در جستجویی گسترده دامن، بسیاری از منابع ترجمه‌شده در موضوع فرهنگ و تاریخ ایران و اسلام که حاوی مطالبی در معرفی، توصیف (غیرمشاهده‌ای و براساس منابع دیگران) و تحلیل عزاداری بوده‌اند را بررسی کرده و مطالب مرتبط که گاه تحلیلی مفصل و گاه اشاره‌ای کوتاه اما مهم بوده‌اند را استخراج کرده‌ام. در این جستجو، چند دسته از منابع مورد تفحص قرار گرفتند:

- پژوهش‌های با موضوع اسلام و تشیع (تاریخ، الاهیات سیاسی، کلام، فلسفه و عرفان)
- پژوهش‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با موضوع ایران در ادوار مختلف (صفویه، افشاریه، زندیه، قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی)
- پژوهش‌های هنری (به‌ویژه در موضوع تئاتر)
- پژوهش‌های ادبی (با موضوع تاریخ ادبیات فارسی)

برش‌های تحلیلی به ترتیب تاریخ نگارش یا انتشار منبع ذیل نام نویسندگان شان آورده شده است. البته احصای منابع در این فصل، به جهت فقر ترجمه‌ی منابع شیعه‌پژوهی، در مقایسه با گزارش‌های تاریخی که در بخش یکم بررسی و تدوین شده‌اند، ناقص‌تر است. اما در مجموع می‌تواند چشم‌اندازی از ادبیات تحلیلی شماری از مهم‌ترین محققان غیرمسلمان در موضوع آیین عزاداری را ترسیم کند.



در مجموع دو بخش، کتاب حاضر، گزارش‌ها و نقطه‌نظرات ۱۸۲ نفر از مستشرقان، ایران‌شناسان و سفرنامه‌نویسان در توصیف و تحلیل آیین‌های عزاداری شیعیان ایران را شامل می‌شود.

تشکر و سپاسگزاری

خوش حالم و خدا را شاکرم که سرانجام این پژوهش فردی که توان و زمان بسیاری صرف آن کردم، به فرجام رسید. امیدوارم ماحصل کار، مورد استفاده‌ی پژوهشگران و علاقمندان حوزه‌ی مطالعات شیعه پژوهی و آیین پژوهی قرار گیرد و بتواند به ارتقای پژوهش‌های پس از خود، ولو به قدر مختصر، کمک کند. همچنین امیدوارم نقایص و اشتباهات احتمالی با نظر عنایت منتقدان و صاحب نظران مشخص شود تا بتوانم در ویراست‌های بعدی آن‌ها را برطرف سازم.

سپاسگزار همسر عزیزم فاطمه و فرزند دلبندم یوسف هستم که در این چند سال، گاه اوقاتی که باید در کنار ایشان می‌گذراندم را صرف این پژوهش کردم. بی‌تردید آن دو سهمی مهم در این کتاب دارند. از حمایت بی‌دریغ دوست فرزانه‌ام میثم غضنفری نهایت سپاس را دارم و ممنونم از دوستان عزیز و همکاران پرتلاشم مجتبی شاهمرادی مدیر «نشر آرم» و مجتبی مجلسی مدیر هنری نشر (که زحمت طراحی و صفحه‌آرایی کتاب را تقبل کرد و با خوش ذوقی و دقت و بردباری بسیار آن را به انجام رساند). همچنین به رسم ادب یاد می‌کنم از محققانی چون مرحومان هانری ماسه، محمدجعفر محبوب و صادق همایونی که در بررسی و تحلیل گزارش‌های سفرنامه‌نویسان از عزاداری در ایران فضل تقدم دارند و سپاسگزارم از محققان و پژوهشگران پیشگام در حوزه‌ی مطالعات آیین‌های شیعی به ویژه پیتر چلکوفسکی، ژان کالمار، علی بلوکباشی و جلال ستاری که در کتاب حاضر، از ثمره‌ی تحقیقات‌شان بهره‌های بسیار برده‌ام. و بالاخره قدردان زحمات همه‌ی مترجمان کوشایی هستم که همت گماشتند و با ترجمه‌ی سفرنامه‌ها و منابع دیگر، مواد اولیه‌ی پژوهش حاضر را فراهم ساختند.